



تحلیل سیاسی هفته (۱۳۹)

تأملی بر اجلاس سیزدهم سازمان همکاری اسلامی

مقدمه

سیزدهمین دوره اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در حالی در استانبول ترکیه برگزار شد که جهان اسلام علاوه بر مواجهه با تهدیدات خارجی، بیش از پیش و به نحو بی‌سابقه‌ای با برخی بحران‌های درونی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

نخست آنکه، اختلافات میان بعضی از کشورهای اسلامی بر سر موضوعات دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به اوج خود رسیده است. به واسطه کج‌فهمی‌ها از سوی برخی دولت‌های مرتجع، هیچ برداشت واحدی در مورد افراط‌گرایی، تروریسم و خشونت در میان دولتمردان کشورهای اسلامی وجود ندارد. این وضعیت دولت‌های مسلمان را در به دست گرفتن ابتکار عمل برای مبارزه با این سه پدیده که هر روز بر عمق، گستره و شدت آنها افزوده می‌شود به انفعال کشانده است.

دوم آنکه، تمدن غربی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن در برخی کشورهای اسلامی به نحو فزاینده‌ای رسوخ کرده است. گسترش سبک زندگی غربی به درون جوامع اسلامی و ریشه دواندن آن، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را تهدید می‌کند، نخبگان سیاسی جوامع مسلمان بیش از پیش بر اساس قالب‌های ذهنی برآمده از الزامات سیاسی غرب‌محور رفتار می‌کنند و جهانی شدن آمریکایی می‌رود تا بازارهای کشورهای اسلامی را در سرمایه‌داری جهانی جذب و هضم کند.

سوم آنکه، دولت‌های اسلامی بیش از پیش خود را در معرض بی‌ثباتی‌های ناشی از نیروهای فراملی و فراملی می‌بینند؛ نظم بینادولتی در میان دولت‌های اسلامی که از فردای جنگ جهانی اول تاکنون یک مسیر تکاملی پیموده است بیش از پیش به وسیله موجودیت‌های فراملی و فراملی در معرض تهدید قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که از یکسو درگیری‌های فرقه‌ای و قومی در درون کشورهای اسلامی سربرآورده‌اند و شکل خشونت‌باری به خود گرفته‌اند و از سوی دیگر، گفتمان‌های امت‌محور افراط‌گرا با بهره‌گیری از هراس‌افکنی و خشونت علیه مردم بی‌گناه می‌کوشند نظم جدیدی را در سرزمین‌های اسلامی پی‌بریزند و نظام خلافت جدیدی را پایه‌ریزی کنند و البته مع‌الاسف در این میان برخی دولت‌های اسلامی، مستقیم و غیرمستقیم و آشکارا و نهان، از آنها حمایت می‌کنند.

چهارم آنکه، رژیم صهیونیستی نیز از این آشفتگی در راستای تضعیف مسلمانان به‌طور عام و در تنگنا قرار دادن جبهه مقاومت به‌طور خاص بهره‌برداری کرده است و با برقرای مناسبات دوجانبه با برخی از کشورهای اسلامی بیش از پیش در صفوف مسلمین رخنه کرده است به‌گونه‌ای که بسیاری از کشورهای اسلامی از تلاش عملی برای تحقق آرمان فلسطین و رهایی قدس شریف از چنگال صهیونیسم بازمانده‌اند.

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۶۰۱۴۷۸۵

تاریخ انتشار:
۱۳۹۵/۱/۳۰

رویکرد اجلاس استانبول به چالش‌های جهان اسلام

با وجود این چالش‌های فزاینده و تشدیدشونده، نطق‌های رهبران و مقامات بلندپایه کشورهای اسلامی در این اجلاس و به‌ویژه بیانیه پایانی آن نشان می‌دهد که این اجلاس نه تنها هیچ گامی برای رفع چالش‌های اساسی جهان اسلام بر نداشت بلکه حتی می‌توان گفت که این چالش‌ها را تثبیت و نهادینه ساخت. متأسفانه کشور میزبان و برخی از کشورهای اسلامی به‌ویژه عربستان سعودی نقش چشمگیری در این روند ایفا کردند. در این چارچوب، می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

نخست آنکه، رویکرد کلی قاطبه شرکت‌کنندگان در این اجلاس نه بر تلاش برای حفظ مصالح مسلمین بلکه بر تأمین منافع ملی تمرکز یافته بود، به‌گونه‌ای که دیدارهای دوجانبه که در حاشیه این اجلاس صورت می‌گرفت بر متن آن که همانا گردهمایی مقامات دولت‌های اسلامی در قالب یک نهاد چندجانبه بود غلبه یافت و هریک از سران و مقامات شرکت‌کننده در این اجلاس نیز بیش از هر چیزی دغدغه‌های محدود دولت خود را مطرح می‌کردند. این امر باعث گردید دستورکار این اجلاس بیش از هر چیز دولت‌بنیان باشد نه امت‌محور و در نتیجه به‌دور از توجه به مصالح حقیقی جوامع اسلامی.

دوم آنکه، هرچند «وحدت و همبستگی برای عدالت و صلح» به‌عنوان شعار این اجلاس تعیین شده بود ولی روند و برونداد این اجلاس به هیچ وجه تداعی‌کننده و بازتاب‌دهنده این شعار نبود، به‌گونه‌ای که به‌ویژه بیانیه پایانی به جای وحدت و همبستگی مسلمانان، اختلاف و چنددستگی و به جای حمایت از عدالت و صلح، مقابله با مظلوم و دامن زدن و مشروعیت بخشیدن به ستیز و جنگ را منعکس ساخت.

سوم آنکه، تحرکات دیپلماتیک شدید و بی‌سابقه هیئت نمایندگی عربستان سعودی و تلاش این کشور برای عقده‌گشایی از شکست‌های مکرر منطقه‌ای در قالب اقدامات تفرقه‌افکن و معارضه‌آلود علیه ایران در اجلاسی که فلسفه وجودی آن تقریباً کشورهای اسلامی است، عملاً جایگاه اجلاس این دوره را از یک مجمع همکاری‌آمیز و چندجانبه به یک گردهمایی سعودی‌زده فروکاست. تلاش‌های سعودی‌ها باعث شد در متن بیانیه پایانی به جای آنکه به ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا اشاره شود، قربانی تروریسم یعنی جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تروریسم متهم شود؛ به جای تأکید بر صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق استقرار حکومت‌های مردمی و حمایت از دولت‌های قانونی کشورهای منطقه، دخالت‌های (ادعایی عربستان سعودی) ایران در امور داخلی بحرین، یمن، سوریه و سومالی محکوم گردد؛ به‌جای آنکه از جبهه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی حمایت شود، جنبش مردمی و اسلامی حزب‌الله لبنان تروریستی خوانده شود؛ به جای توجه به چالش‌های اصلی جهان اسلام که در بالا بدانها اشاره شد، سوء تفاهات میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قالب «محکومیت حمله به ساختمان سفارت و کنسولگری عربستان سعودی در ایران و رد اظهارات به‌حق مقامات ایرانی به‌ویژه در زمینه اجرای احکام ناعادلانه علیه افراد بیگناهی چون شیخ نمر مطرح شود و طنزآمیز آنکه، تأکید می‌شود که نه عربستان سعودی که با دخالت نظامی مستقیم در یمن و دخالت غیرمستقیم در لبنان، عراق و سوریه و مجال دادن به تقویت تفکرات تکفیری و اختلاف‌افکن به منبع تنش در غرب آسیا مبدل شده است بلکه ایران باید رابطه خود با کشورهای همسایه را بر پایه حسن همجواری و دخالت نکردن در امور داخلی کشورهای همسایه و احترام به حاکمیت و استقلال کشورهای همسایه و حل اختلافات از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز بنا نهد.

ارزیابی کلی

به‌طور کلی، اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در استانبول هیچ‌ارمغانی بجز تداوم بخشیدن به اختلاف و شکاف کشورهای اسلامی؛ به حاشیه راندن مسئله فلسطین و بی‌توجهی به بحران‌های گریبانگیر جوامع اسلامی نداشت و می‌توان استدلال کرد که یکی از بی‌دستاوردترین اجلاس‌های این سازمان به‌شمار می‌رود. دلیل این برآیند را می‌توان در عوامل ذیل یافت:

نخست آنکه، سیاست‌های کشور میزبان چه در قبال کلیت مسائل و معضلات جهان اسلام به‌طور عام و چه در روند برگزاری این اجلاس بسیار نامناسب و تعارض‌زا بوده است. سیاست خارجی ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان در قبال تحولات منطقه، به‌ویژه بحران‌های عراق و سوریه، تحولات داخلی مصر و بحران یمن به‌گونه‌ای بوده است که ترویج بی‌ثباتی و شکنندگی دولت‌های دچار بحران را به بار آورده است. از همین رو حتی مصر رئیس دوره‌ای قبلی سازمان همکاری اسلامی در عالی‌ترین سطح در اجلاس استانبول شرکت نکرد و نوع مدیریت دولت ترکیه در این اجلاس اعتراض‌های زیادی را از ناحیه برخی کشورها به‌ویژه ایران و عراق نیز به‌دنبال داشت به‌طوری که ایران در نشست پایانی برای قرائت بیانیه اجلاس حضور نیافت.

دوم آنکه، با عنایت به این که مقر سازمان همکاری اسلامی در جده می‌باشد و همان‌گونه که در اجلاس استانبول نیز آشکار گردید، دولت سعودی به مدد بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی، نفوذ قابل ملاحظه‌ای در این سازمان دارد، با قاطعیت می‌توان گفت که این سازمان تا حد زیادی سعودی‌زده می‌باشد؛ به همین دلیل، در بیانیه پایانی این نشست، به هیچ وجه تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن و حملات این رژیم به غیرنظامیان مسلمان محکوم نگردید. همین امر از اعتبار این سازمان در نزد بسیاری از اعضای آن کاسته است؛ از همین رو بسیاری از کشورها در عالی‌ترین سطح در این کنفرانس شرکت نکردند. از سوی دیگر باید توجه داشت که اقدامات ضد ایرانی سعودی‌ها که در بیانیه پایانی اجلاس بازتاب یافت بیش از هر چیز ناشی از شکست و سرخوردگی آل سعود از روند رو به گسترش نفوذ و قدرت‌یابی ایران در منطقه و تقویت موقعیت جبهه مقاومت و در عین حال شکست سعودی‌ها در معادلات غرب آسیا به‌ویژه در سوریه، عراق و یمن می‌باشد.

سوم آنکه، با توجه به اینکه دولت‌های اسلامی و نه ملت‌های اسلامی در این سازمان عضویت دارند، معیار عمل در این سازمان نه آرمان اسلامی بلکه منفعت ملی تک‌تک دولت‌های عضو می‌باشد و از آنجا که بسیاری از کشورهای اسلامی به شدت تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌های بزرگ غیراسلامی قرار دارند، برون‌داد این سازمان در اکثر موارد با مصالح کلی جهان اسلام سازگاری ندارد. برای مثال، بیانیه نهایی اجلاس استانبول عملاً به اختلاف کشورهای اسلامی؛ نقش حاشیه‌ای مسئله فلسطین نسبت به سایر معضلات جهان اسلام و بی‌توجهی به حل‌وفصل بحران‌های گریبانگیر جوامع اسلامی مهر تأیید زد.

در پایان ذکر این نکته حائز اهمیت است که با توجه به اقدامات و سیاست‌های غیراصولی برخی دولت‌ها لازم است تا رفتارها و مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال کنشگران منطقه‌ای به‌گونه‌ای باشد که از برجسته‌سازی دیپلماتیک آنها بپرهیزد. از سوی دیگر بیانیه پایانی اجلاس مهر تأییدی بر ضرورت توجه بیشتر به دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران زد. در این چارچوب، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران به موازات سازمان همکاری اسلامی، ابتکار راه‌اندازی تشکیلات مردم‌نهاد با همان کارکرد سازمان همکاری اسلامی را مطرح سازد یا سایر سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی اسلامی از قبیل مجمع تقریب مذاهب اسلامی را تقویت کند.